

واکاوی علل پیشرفت ژاپن به مثابه الگوی ترقی و تجدد از منظر روزنامه اختر

میکائیل وحیدی راد^۱

چکیده

جنگ‌های ایران و روسیه و آگاهی ایرانیان از مسئله ترقی موجب شد نخبگان ایرانی با نگارش رساله و پس از آن روزنامه درصدد برآیند برای برون‌رفت از عقب‌ماندگی راهکارهایی ارائه کنند. در این میان روزنامه اختر، نخستین روزنامه فارسی‌زبان خارج از کشور، مسئله ژاپن را به مثابه یک کشور پیشرفته آسیایی که می‌تواند مدل مناسبی برای ایرانیان باشد مطرح کرد و در نوشتار خود بیش از پیش به معرفی این کشور و علل پیشرفت آن پرداخت. «توسعه دانش»، «نقش امپراتور»، «زنان» و «ارتباط با غرب» از جمله مفاهیمی است که این روزنامه در علل ترقی این کشور بر آنها تأکید می‌کند. بنابراین، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که براساس نظریات نویسندگان روزنامه اختر چه مؤلفه‌های اساسی موجب پیشرفت ژاپن گردید؟ و شناخت این نویسندگان از این کشور بر چه بنیان‌هایی استوار بود؟ فرض این مقاله چنین است که نویسندگان روزنامه با تأکید بر علل عینی توسعه و نادیده گرفتن سابقه تاریخی کشور ژاپن در حوزه‌های آموزشی و اجتماعی، صرفاً دوره پایانی پیشرفت این کشور را مد نظر قرار دادند. برای پاسخ به این مسئله مطالب روزنامه اختر تحلیل و بررسی می‌شود تا تصویری مستند از دریافت نویسندگان روزنامه و مبانی اندیشگی آنان درباره ریشه‌های توسعه ژاپن به دست آید. واژگان کلیدی: ترقی ژاپن، روزنامه اختر، توسعه معارف، مشارکت زنان، عصر ناصری.

Investigating the elements of Japan's Progress as a Model of Progress as analyzed through the lens of Akhtar Newspaper

Michael Vahidirad²

Abstract

The Iran-Russia wars and Iranian awareness of the issue of progress made Iranian elites to write booklet as a solution and after them newspapers tried to provide a solution to release Iran from backwardness. As the first newspaper published abroad, Akhtar writers introduced the question of Japan as an advanced Asian country that can be a good model for Iranians and the causes of its progress. Factors such as "knowledge development", "the role of the emperor", "women" and "relation with the west" are among the concepts that the newspaper stresses on the causes of the country's progress; therefore, the main question of this study is what essential elements, based on the analysis provided by Akhtar, led to the development of Japan? And what was their understanding of this country? The hypothesis is focused on that the authors of the newspaper regard the objective causes of development and ignoring the historical background of the country in educational and social fields. To answer the question, the newspaper has been analyzed to provide documentary evidence on the Akhtar writer's understanding on the roots of Japan's development.

Keywords: Japan's Progress, Akhtar Newspaper, Education Development, Women's Participation, Naser al-Din Shah shah era.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی. *تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۵ * تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۵

2. Assistant Professor, Department of History, Shahid Beheshti university. Email: M_vahidirad@sbu.ac.ir

مقدمه

بررسی مفهوم تجدد و ترقی در ایران دوره قاجار از جمله مباحث و موضوعاتی است که امروزه بسیاری از پژوهشگران به آن پرداخته و هر یک از زاویه‌های بدان نگریده‌اند، موضوعی که بررسی آن می‌تواند پاسخی به دلایل پیشرفت کشورهای چوین ژاپن و کره جنوبی در آسیا باشد و در عین حال نوع مواجهه ما با غرب را روشن نماید. البته در پاسخ به این چرایی، اندیشمندان و روشنفکران دوره قاجار نیز هر یک نسخه‌ای نوشتند و بر اجرای آزادی خود برای رهایی از عقب‌ماندگی تأکید کردند؛ از جمله ملک‌خان که بر نفی گذشته پافشاری می‌کرد «هر چیز که متعلق به گذشته باشد از اعتبار ساقط است»^۱، طالبوف که به نقص دو مقوله «نظام استبدادی و نظام تعلیم و تربیت»^۲ می‌پرداخت، سپهسالار و تمرکز او بر یک کلمه، یعنی قانون‌خواهی، و تقی‌زاده که بر غربی شدن صرف تأکید می‌کرد «ایرانی باید ظاهراً و باطناً و جسماً و روحاً فرنگی مآب شود و بس»^۳... اما در کنار این منورالفکران، روزنامه‌ها نیز بخشی از راه‌حل برون‌رفت از وضعیت عقب‌مانده دوران قاجار را تشریح و تبلیغ می‌کردند و به‌خصوص به مسئله ترقی و تجدد ژاپن به‌عنوان الگو و نمونه‌ای موفق از پیشرفت می‌پرداختند. در میان این روزنامه‌ها روزنامه اختر دارای اهمیت بیشتری است، زیرا نخستین روزنامه‌ای شناخته می‌شود که ژاپن و علل و عوامل موفقیت آن را در مسیر پیشرفت بررسی می‌کند و پس از انعکاس اخبار این ترقی در روزنامه اختر است که مسئله ژاپن برای روشنفکران طرح و چگونگی پیشرفت آن در سپهر اندیشه ایرانیان مطرح می‌شود. لذا در نوشتار حاضر نویسنده درصدد است با بررسی محتوای روزنامه اختر به این سؤال پاسخ دهد که از دیدگاه نویسندگان این روزنامه مؤلفه‌های مؤثر بر ترقی و پیشرفت ژاپن چه بوده و این کشور با تکیه بر چه عناصری از توسعه و ترقی و با کاربست چه طرح و مدلی در مدت سی سال به چنین پیشرفتی دست یافته است؟ و دیگر اینکه شناخت روزنامه اختر از ژاپن بر چه واقعیاتی استوار بوده است؟ فرض مقاله بر این است که از نگاه نویسندگان روزنامه اختر ریشه ترقی ژاپن توسعه کمی و کیفی معارف این کشور در کوتاه‌مدت است که در کنار حفظ هویت ملی نسخه‌ای موفق را در آسیا رقم زد.

روزنامه اختر البته محمل و موضوع تحقیقات و نوشتارهایی بوده است، از جمله مقاله «الگوی ژاپنی پیشرفت در آثار پیشامشروطه ایران» اثر محمد سلماسی‌زاده که بیشتر آرای روشنفکران عصر ناصری را بررسی کرده است و ارتباط مستقیم با نوشتار حاضر ندارد. از دیگر آثار می‌توان به مقاله «رویکرد روزنامه اختر به توسعه علمی و پیشرفت و عقب‌ماندگی» اثر دکتر قدیمی‌قیداری اشاره کرد که مسئله نوشتار

۱. گروه نویسندگان، مؤلفه‌های هویت ملی در ایران (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱)، ص ۱۶۳.

۲. فریدون آدمیت، اندیشه‌های طالبوف تبریزی (تهران: انتشارات دماوند، ۱۳۶۳)، ص ۴۷.

۳. سید حسن تقی‌زاده، کاوه، ش ۱، دوره جدید (ژانویه ۱۹۲۱)، ص ۱۹۲۱.

وی نیز بررسی علل عقب‌ماندگی ایران است و با موضوع نوشتار حاضر تفاوت دارد.

چارچوب نظری

ترقی از جمله مفاهیمی است که درباره ضرورت، راهکارها و اصول نیل به آن بسیار سخن گفته شده است. با بررسی آرای منورالفکران و اندیشمندان در تبیین علت عقب‌ماندگی ایران و ترقی غرب می‌توان دریافت آنان برای پاسخ به پرسش خود به وادی ساختار و کارگزار وارد می‌شوند و به سه رویکرد اساسی آن توجه دارند. برخی بر نقش عامل یا کارگزار^۱ در تحولات تاریخی تأکید می‌کنند، گروهی ساختارها^۲ و در نهایت گروهی ترکیبی از این دو را مهم می‌دانند.

در رویکرد ساختارگرایی این ساختارها هستند که فرایندها و تحولات اجتماعی و سیاسی را رقم می‌زنند. بنابراین، افراد یا عاملان به‌عنوان تابعی از ساختارها عمل می‌کنند و آزادی عمل آنان در دل این ساختارها محدود می‌شود. به بیان بشیریه، «ساختارگرایان بر کل در مقابل جزء تأکید دارند»^۳ در این حالت ساختار بر عاملان و کارگزاران احاطه دارد و به صورت کنشی مستقل از کارگزاران عمل می‌کند و استقلال عمل برای فرد وجود عینی ندارد.^۴

در رویکرد اراده‌گرایی یا فردگرایی این کارگزاران هستند که تحولات را رقم می‌زنند و به‌عنوان مهم‌ترین عامل در تصمیم‌سازی یا سیاست‌گذاری نقش ایفا می‌کنند. در این رویکرد که به مکتب «اصالت کارگزار» نیز معروف است، انسان و کنش او محور تحلیل و تبیین رویدادهاست و برای درک علت بروز و ظهور پدیده‌ها بایستی به افراد و عاملان پرداخت. بر این اساس، این رویکرد بر نظریاتی همچون انتخاب عقلانی، فایده‌گرایی و... به‌عنوان محور تحلیل خود تأکید می‌کند.^۵ نقش عامل کارگزار در تحولات تاریخی از جمله رویکردهایی است که نویسندگان روزنامه‌آختر در ارزیابی و تحلیل مسائل و رویدادهای ژاپن به آن توجه دارند و بر نقش آفرینی امپراتور این کشور به‌عنوان کارگزار تأکید می‌کنند. لذا از نظر نویسندگان روزنامه‌آختر این فرد است که می‌تواند سیر حرکت تاریخ یا ترقی یک کشور را رقم بزند.

نظریه ترکیب عامل ساختار جایگزین دو نگاه تک بعدی و تک عاملی ساختار و کارگزار شد تا در قالب ساختاری از مزیت‌های هر دو آنها بهره‌مند شود. نظریه ساختاری را اولین بار جامعه‌شناس معاصر آنتونی گیدنز مطرح کرد تا بر رابطه دوسویه ساختار و کارگزار تأکید کند. لذا در این رویکرد آن حالت

1. agent

2. structure

۳. حسین بشیریه، تاریخ اندیشه سیاسی در قرن بیستم، اندیشه‌های مارکسیستی (تهران: انتشارات نی، ۱۳۹۱)، ص ۲۸۴.

۴. برای آشنایی با نقدهای وارد شده بر ساختارگرایان ن.ک: دیوید مارش و استوکر جولای، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی (تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴).

۵. ماکس وبر، روش‌شناسی علوم اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان (تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۸۲)، ص ۸۴.

دوانگاری موجود کنار گذاشته می‌شود و بر تعامل و تأثیر متقابل ساختار و کارگزار توجه می‌گردد. «اگرچه فرد در جهان و در درون ساختارهایی به سر می‌برد، ولی به‌وسیله ساختارهای مزبور تعیین پیدا نمی‌کند، زیرا فرد دائماً در حال ساخته شدن است و محدود به ساختار نیست.»^۱ از این منظر، پدیده‌های اجتماعی در یک رابطه خطی و تک عاملی بررسی نمی‌شوند، بلکه بین ساختار و کارگزار نوعی تعامل برقرار است و آنها در واقع دو روی یک سکه هستند.

۱. تأسیس روزنامه اختر در عثمانی: مؤسسان و اهداف

روزنامه/اختر را می‌توان از جمله منابعی دانست که مستقیماً در آشنایی ایرانیان با مفاهیم جدیدی چون حقوق سیاسی و اجتماعی، ضرورت گذار به تمدن جدید، آزادی و حریت و مقابله با استعمار و آزادی‌های فردی نقش بسزایی داشته است. حتی می‌شود گفت این روزنامه با سبک و سیاق جدید خود روزنامه‌نگاری ایران را وارد عصر جدیدی کرد. درک عصر جدید و ضرورت اجرای اصلاحات اساسی برای گذار به این عصر و آماده کردن زمینه این گذار را شاید بتوان هدف اصلی انتشار روزنامه/اختر دانست. این هدف در دل خود دارای مفاهیم زیادی است که مهم‌ترین آن شاید اصلاح نظام سیاسی قاجاری و ترقی باشد.

اگر روزنامه کاغذ اخبار را نخستین روزنامه منتشر شده در ایران به شمار آوریم که نخستین شماره آن به سال ۱۲۵۳ق در دوره محمد شاه قاجار منتشر شد، روزنامه/اختر را بایستی نخستین روزنامه فارسی‌زبان چاپ‌شده در خارج ایران بدانیم که حدود بیست سال در استانبول منتشر می‌شد. خان‌ملک ساسانی هنگامی که در عثمانی سمت سفیر ایران را داشت، یک نسخه از روزنامه‌ای فارسی‌زبان به نام ترکستان را به ایران می‌فرستد، اما در مورد آن می‌نویسد «روزنامه مزبور در دفاتر سفارت بیش از این به نظر نرسید.»^۲ بررسی‌های صورت گرفته درباره تنها نسخه موجود ترکستان نیز نشان می‌دهد که این روزنامه صرفاً به زبان فارسی در عثمانی منتشر می‌شده و اخبار و اطلاعاتی از ایران را انعکاس نمی‌داده است.^۳ از این جهت روزنامه/اختر را می‌توان نخستین روزنامه فارسی‌زبان خارج از ایران دانست که با هدف انعکاس اخبار ایران تأسیس شده بود. مدیر روزنامه/اختر میرزا طاهر تبریزی و سردبیر آن حاجی میرزا مهدی اختر بود. هر دو این افراد از طبقه بازرگان و تاجری پیشه بودند که ۲۲ سال روزنامه را منتشر کردند (از ۱۲۹۳ تا ۱۳۱۳ق). البته بخشی از هزینه‌های آن را بازرگانان تأمین می‌کردند. به همین دلیل این روزنامه بازیگر اصلی اطلاع‌رسانی در ماجرای امتیاز انحصار تنباکو بود که منجر به لغو امتیاز آن شد. به نوشته لمبتون

۱. جهانگیر معینی علمداری، روش‌شناسی و نظریه‌های جدید در سیاست (تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۵)، ص ۶۳.

۲. خان ملک ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول (تهران: انتشارات بابک، ۱۳۵۴)، ص ۲۰۵.

۳. ن. ک.: مسعود حسینی پور، آریتا همدانی، «ترکستان اولین روزنامه فارسی‌زبان در عثمانی»، بخارا، س ۱۵، ش ۹۷، (آذر دی ۱۳۹۲).

یکی از ویژگی‌های/اختر توجه به وضعیت تجار بود^۱ که البته این مورد را می‌توان از چاپ نرخ برابری ارزها در شماره‌های آن نیز به‌خوبی دریافت.

روزنامه‌اخر که اولین شماره آن در ۱۶ ذی‌الحجه ۱۲۹۲ برابر با ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶ چاپ گردید، با کمک‌های مستقیم میرزا محسن خان مشیرالدوله، سفیر ایران در عثمانی، منتشر شد. خان ملک ساسانی می‌نویسد روزنامه از دربار ایران و شخص سپهسالار نیز کمک مالی دریافت می‌کرد.^۲ به این ترتیب، به نظر می‌رسد روزنامه اختر در ابتدا بیشتر نقش سخنگوی ایران و حتی به نوعی نقش مقابله‌کننده با روزنامه‌هایی را داشت که مطالبی علیه ایران در خارج از کشور می‌نگاشتند. چرا که دستگاه سانسور قاجاری در داخل کشور می‌توانست با استفاده از تیغ سانسور مانع از انتشار هر گونه خبری علیه دستگاه سلطنتی شود، ولی برای اینکه در خارج از کشور نیز برای سرکوب مخالفان و حداقل برای پاسخگویی به اخبار و اطلاعاتی که درباره ایران منتشر می‌شد ابزاری داشته باشد نیاز به تأسیس یک روزنامه احساس می‌شد. بنابراین، همان‌گونه که بیان شد، افراد «خودی» به تأسیس چنین روزنامه‌ای مبادرت کردند. خان ملک ساسانی به نقل قولی از معین‌الملک اشاره می‌کند که ضمن درخواست حمایت مالی از روزنامه می‌گوید «عجالتاً در مقابل باوه‌گویی‌های روزنامه‌های ترکی اسلحه بهتر از این نداریم.»^۳ البته این فقط در شروع کار بود. در ادامه روند انتشار روزنامه دیدگاه و نظریات آن برخلاف خواست دولت قاجاری چرخید و حتی دولت عثمانی به خواست دولت ایران این روزنامه را بارها توقیف کرد و مانع از انتشار آن شد، چنانکه به نوشته مستوفی «هرگاه زیاده‌روی در مندرجات آن می‌دیدند ورود آن را به ایران قدغن می‌کردند.»^۴ روزنامه اختر در صفحه نخست اولین شماره خود در تبیین علت انتشار روزنامه، ضمن بیان اینکه زبان فارسی از جمله زبان‌های عمده در اسلامبول است که فاقد یک روزنامه و گزرت است، می‌نویسد «موازنه حال ترقی و وصول حال تمدن و آسایش عمومی ابنای جنس ممکن نتواند بود مگر به دانستن اوضاع جهان و فهمیدن احتیاجات وقت و معلوم داشتن راه رفع آن احتیاجات و متفرعات آن» و «این گزرت از سیاسیات و پلتیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت.»^۵

بنابراین، با توجه به انتشار مقالات بی‌شمار در این روزنامه برای آگاه کردن مردم از نحوه ترقی و تجدد کشورهای غرب و شرق و نیاز به توسعه در ایران، بایستی چنین دریافت که اگرچه اختر در ابتدا زیر نظر افراد وابسته به دستگاه قاجاری تأسیس شد، نگاهی گذرا بر مقالات، نویسندگان و رویکرد روزنامه حاکی

۱. آ. ک. لمبتون، *ایران عصر قاجار*، ترجمه سیمین فصیحی (مشهد: انتشارات جوادان، ۱۳۷۵)، ص ۲۹۴.

۲. ساسانی، ص ۲۰۵.

۳. همان، ص ۲۰۶.

۴. عبدالله مستوفی، *شرح زندگانی من*، ج ۲ (تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۱)، ص ۱۸.

۵. روزنامه اختر، ش ۱ (۱۲۹۲)، ص ۱.

از دیدگاه انتقادی آن به وضع موجود در ایران عصر قاجاری و لزوم گذار به توسعه و ترقی و در انداختن طرحی نو است. از سویی افرادی منورالفکر چون احمد روحی، آقاخان کرمانی، میرزا سپهسالار و... با روزنامه همکاری داشتند که دگراندیشان دوره خود محسوب می‌شدند. بدین ترتیب، این روزنامه به پایگاهی برای ترویج مفاهیم اساسی چون عدالت، مساوات، قانون، مشروطه، حریت و دین و دولت تبدیل شد و در سرمقاله‌های خود در باب مسائلی بحث کرد که پرداختن به آنها در ایران امکان‌پذیر نبود. البته این روزنامه می‌کوشید رأس هرم سیاسی کشور، یعنی ناصرالدین شاه، را از تیغ تیز انتقاد در امان بگذارد و به‌ندرت به چنین ورطه‌ای می‌افتاد. در نهایت هم پس از ترور ناصرالدین شاه بود که اگرچه مدتی به حیات خود ادامه داد، حکومت عثمانی، به‌رغم حمایت‌های اولیه^۱، در سال ۱۳۱۴ ق (پس از بیست و سه سال انتشار) دستور توقیف آن را داد.

در مورد مخاطبان روزنامه نیز نثر ساده اختر که «در غایت سادگی و عاری از تکلفات منشیانه متقدمین اهل انشا»^۲ بود، نشان می‌دهد که این روزنامه جامعه هدف خود را تمام مردم ایران قرار داده بود و با توجه به اینکه نخستین روزنامه‌ای بود که به صورت سربی منتشر می‌شد، سهولت چاپ و ارزان بودن انتشار آن نیز می‌توانست به فراگیر شدنش یاری رساند.

۲. اختر و طرح مسئله ژاپن در سپهر روزنامه‌نگاری ایران

گرچه براساس اسناد موجود نمی‌توان تاریخ دقیق ارتباط سیاسی ژاپن و ایران را تبارشناسی کرد، سفرنامه‌های موجود نشان می‌دهد که ایرانیان پیش از عصر مشروطه با تحولات ژاپن آشنایی داشتند، از جمله فردی به نام ابراهیم صحاف‌باشی که در پی سوداگری و فروش جواهرات نه از ایران که از سمت غرب راهی ژاپن شد و در سال ۱۳۱۵ ق به بندر یوکوهاما رسید و بیست و یک روز در آنجا ماند.^۳ البته این سفر را باید سفر دوم او دانست، چون همان‌طور که در متن کتاب اشاره می‌کند، دو سال قبل از این هم سفری به ژاپن داشته است.^۴ او از «درس خواندن کودکان از چهار و پنج سالگی، سنت صرفه‌جویی مردم و عدالتخانه حکومتی» ژاپن داد سخن می‌دهد.^۵ طالبوف نیز در سفری به ژاپن به بررسی راز ترقی و پیشرفت این کشور می‌پردازد و معتقد است «دانش و فن و حکومت قانون»^۶ علت توسعه آن است. او حتی در کتاب *مسائل الحیات*، که جلد سوم کتاب احمد محسوب می‌شود، قانون اساسی ژاپن را ترجمه می‌کند. بنابراین،

۱. فریدون آدمیت، *اندیشه ترقی و حکومت قانون* (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۵)، ص ۴۰۵.

۲. *روزنامه اختر*، ش ۱ (۱۳۹۲)، ص ۲.

۳. ابراهیم صحاف‌باشی، *سفرنامه ابراهیم صحاف‌باشی تهرانی*، به اهتمام محمد مشیری (تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۵۷)، ص ۷.

۴. همان، ص ۹۲.

۵. همان، صص ۹۱-۹۸.

۶. آدمیت، ص ۹۳.

حداقل برای قشر روشنفکر ایران عصر ناصری موضوع تجدد ژاپن به‌عنوان یک مسئله طرح شده بود و منورالفکران این دوره درصدد تبیین چرایی توسعه ژاپن به‌مثابه یک کشور آسیایی مترقی بودند. پس از طالبوف مسئله ژاپن و معرفی این کشور در عرصه مطبوعات به دست نویسندگان روزنامه/اختر افتاد تا با انتشار اخبار و تحولات ژاپن توجه عموم مردم و حتی روشنفکران را بیشتر به ژاپن جلب کنند. تصویری که روزنامه‌اختر از ژاپن در مقابل چشمان مردم و روشنفکران قرار داد، به درست یا غلط، کشوری بود که در طی ۳۰ سال به درجه‌ای از ترقی و تجدد دست یافت که حتی کشورهای اروپایی را نیز دچار حیرت و نگرانی کرد. به این ترتیب، در عرصه روزنامه‌نگاری روزنامه‌اختر با انتشار اخبار و تحولات ژاپن نه تنها قشر روشنفکران که توده مردم را نیز درگیر مسئله ترقی ژاپن کرد. لذا پیش از بررسی محتوایی روزنامه‌اختر، نگاهی گذرا بر روند تاریخی ژاپن می‌تواند تصویر بهتری درباره گزارش‌های این روزنامه در اختیار ما قرار دهد.

۳. ژاپن به‌مثابه امر واقع

در اینجا به لحاظ تاریخی مرور می‌کنیم آنچه را که در ژاپن اتفاق افتاد و آن را از یک کشور عقب‌مانده آسیایی به کشوری تبدیل کرد که به بیان اختر موجب حیرت اروپاییان شد. در ایران تاریخ ژاپن را بیشتر با «انقلاب میجی» می‌شناسند که توسط امپراتور این کشور موتسوهیتو رقم خورد. اما ژاپن پیش از این انقلاب کشوری بود که سالیان سال درگیر جنگ‌های داخلی و رقابت مدعیان قدرت بود، حوادثی که این کشور را تا آستانه تجزیه و فروپاشی پیش برده بود. تا اینکه در سال ۱۶۰۳ قبیله توکوگاوا ایه‌اسو^۱ این کشور را متحد ساخت. در همین سال توکوگاوا لقب شوگون را از امپراتور این کشور دریافت کرد.^۲ روی کار آمدن شوگون‌ها، که با حفظ ظاهر امپراتور عملاً تمام اختیارات و قدرت او را تصاحب کرده بودند، موجب نوعی رقابت قبیله‌ای گردید. توکوگاوا برای در امان ماندن از قدرت‌گیری رقبا عملاً ارتباط با غربی‌ها را منع کرد. به این ترتیب شوگون ایمیتسو^۳، نوه توکوگاوا، فرمان سیاست ساکوکو^۴ یا سیاست درهای بسته را اعلام کرد. براساس بند اول این فرمان «ارسال کشتی‌های ژاپنی به کشورهای خارجی به‌شدت ممنوع شد.» در بند دوم هم «سفر ژاپنی‌ها به کشورهای خارجی ممنوع» اعلام شد که تخطی از آن مجازات مرگ را در پی داشت.^۵

در این دوره ژاپن با منع گسترش مسیحیت و تعقیب و آزار مسیحیان درهای کشور را به روی غربی‌ها

1. Tokugawa Ieyasu

2. A. L. Sadler, *Shogun: The Life of Tokugawa Ieyasu* (Tuttle Publishing, 2009), p. 163.

3. Iemitsu

4. Sakoku

5. Michael S. Laver, *The Sakoku Edicts and the Politics of Tokugawa Hegemony* (Cambria Press, 2011), p. 16.

بست و دوره انزوای این کشور از سال ۱۶۳۵ به مدت بیش از دو قرن یعنی تا سال ۱۸۵۴ تداوم یافت. دولت اندیشه‌های غربی را نوعی تهدید علیه کشور دانست و با اعدام هیئت سیاسی پرتغال در سال ۱۶۴۰ عملاً قطع ارتباط سیاسی را اعلام کرد. از سوی دیگر، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، شوگون‌ها از ترس کمک نظامی غرب به رقبای خود هرگونه مراوده با غرب را ممنوع اعلام کردند،^۱ تا اینکه شکست نیروهای ژاپن از امریکا و دادن امتیاز به خارجی‌ها موجب شد مخالفت با شوگون‌ها افزایش یابد و در نهایت آنان شکست بخورند. سرانجام شوگون که‌ایکی در سال ۱۸۶۸ قدرت را بار دیگر پس از ۷۰۰ سال به امپراتور بازگرداند و به این ترتیب امپراتور به مرجع اصلی اعمال قدرت در ژاپن تبدیل شد و تمام قبایل ژاپن بر سر اعاده قدرت به تفاهم رسیدند و نیروهای خود را در اختیار امپراتور نهادند.

بنابراین، برخلاف تصور بسیاری که ژاپن مترقی را ناشی از انقلاب میجی می‌دانند، باید گفت دوره انزوای ملی و سیاست ساکوکو در این کشور زمینه مناسبی برای انقلاب میجی فراهم آورد. سیاست درهای بسته مزایای بسیاری داشت که شاید مهم‌ترین آن در امان ماندن ژاپن از تیررس کشورهای استعماری اروپایی بود که سبب شد آنها چشم طمع به این کشور نداشته باشند. همین امر حفظ وحدت و یکپارچگی ژاپن را به دنبال داشت. دیگر اینکه در این دوره رشد مدارس و توسعه علم و دانش در صدر توجهات شوگون‌ها قرار گرفت و سه نوع مدرسه دولتی، مذهبی و خصوصی تأسیس شد که حتی افراد طبقه پایین نیز امکان ورود به آنها را داشتند.^۲ براساس برخی برآوردهای صورت گرفته در دوره معروف به توکوگاوا یا دوره شوگون‌ها، بین ۴۰ تا ۵۰ درصد پسران و ۱۰ تا ۱۵ درصد دختران باسواد بودند که این میزان نرخ باسوادی با کشورهای پیشرفته اروپا در همین دوره قابل مقایسه است.^۳ از سوی دیگر اعمال سیاست تمرکزگرایی شوگون‌ها که مبتنی بر گروگان‌گیری رقا و زمین‌داران بزرگ، موسوم به دایمیوها، و احداث راه ارتباطی برای دسترسی به رقا در صورت سرکشی بود، موجب حفظ وحدت این کشور در داخل شد. بنابراین، سیاست انزوای ملی در شکل‌گیری انقلاب میجی و ایجاد زمینه‌های آن بی‌تأثیر نبود. تأسیس مدارس و دانشگاه، حفظ وحدت، تأسیس راه‌های حمل و نقل برای نظارت بر نیروهای گریز از مرکز، دور ماندن از چشم استعمارگران اروپایی، تقویت تولیدات کارگاهی و صنعتی داخلی و... همه از جمله ضرورت‌های گذار به دوره انقلاب میجی بود. بدون درک این زمینه‌ها چه بسا مسئله انقلاب میجی صرفاً به همان ابرمرد یا فاعل تاریخی، و در اینجا به شخص امپراتور موتسوهیتو، نسبت داده شود، همان روایتی که روزنامه اختر نیز پیرو آن است.

1. Micho Morishima, *Why Japan has succeeded* (Cambridge University Press, 1982), p. 57.

2. Hmeljak K. Sangawa, "Confucian Learning and Literacy in Japan's Schools of the Edo Period", *Asian Studies*, 5, (2017), p. 155.

3. Dore P. Ronald, *Education in Tokugawa Japan* (Berkeley and Los Angeles: University of California Press, 1965), p. 287.

4. Daimyo

۴. ژاپن از منظر روزنامه‌اختر

روزنامه اختر با رویکردی جدید و به‌منظور انجام اصلاحات ساختاری در ایران تأسیس شده بود. چنانکه تنها ۴۲ روز پس از انتشار نخستین قانون اساسی شرق، یعنی مشروطیت عثمانی، ترجمه آن را به فارسی در اختیار خوانندگان خود قرار داد. به این ترتیب، مشخص است که هدف روزنامه اختر آگاه ساختن مردم از پیشرفت‌ها و تجدد دیگر کشورها بود تا بتواند تغییرات بنیادی ایجاد نماید. از این رو، اخبار و تحولات ژاپن به‌عنوان کشوری که در کوتاه‌مدت، به‌زعم اختر، به ترقی رسیده است مورد توجه نویسندگان روزنامه قرار گرفت و تصویر ژاپن مترقی و پیشرفته در میان مردم ایران به‌واسطه این روزنامه شکل گرفت. روزنامه اختر بدون پرداختن به تاریخ ژاپن و گذشته این کشور صرفاً راوی پیشرفت و ترقی آن است و زمینه‌ها و علل این توسعه را بررسی نمی‌کند. نکته بسیار حائز اهمیت آن است که می‌نویسد ژاپن در «مدت کوتاهی» به این حد از توسعه دست یافته است. در واقع گویی اولیای امور روزنامه این ذهنیت را داشته‌اند که با همسان پنداشتن ایران و ژاپن و با تأکید بر سرعت پیشرفت ژاپن امکان آن را در ایران نیز به همان سرعت برای مردم محتمل جلوه دهند. البته شق ثانی چنین می‌تواند باشد که واقعاً نویسندگان اختر هیچ تصویر درستی از ژاپن نداشتند و صرفاً به تصویر کردن تحولات این کشور در دو دهه آخر قرن نوزدهم اکتفا می‌کردند و سرعت پیشرفت‌ش را نیز در همین دو دهه می‌دیدند. چرا که این کشور برای ایرانیان چندان سرزمین شناخته‌شده‌ای نبود. شاید از همین روست که روزنامه از ژاپنی‌های پیش از دوره ترقی به‌عنوان «مردمی وحشی و از منافع معارف و صنایع و تجارت و انتظامات بی‌بهره و بی‌خبر» یاد می‌کند.^۱ بنابراین، روزنامه‌اختر زمانی به معرفی ژاپن به مردم ایران می‌پردازد که ژاپن گام‌های اولیه در مسیر تجدد و پیشرفت را برداشته بود و به‌خصوص در دوره انقلاب میجی با شعار «بایسته‌های فرهنگ غرب را اخذ و نقاط ضعف فرهنگ ژاپن را اصلاح نماییم»^۲ به‌سرعت در این مسیر به پیش می‌رفت.

۴-۱. نخستین خبر روزنامه اختر از ژاپن

نخستین خبر روزنامه اختر در مورد ژاپن به تاریخ ۲۷ مارس ۱۸۷۶ در سال دوم شماره ۴۷ است که گزارشی در باب خروج آموزگار و متخصصین اروپایی است که از سوی دولت ژاپن به کار گرفته شده بودند. در این گزارش آمده است که «دولت ژاپون بعض معلم‌ها از اروپا خواسته و آنها را در خدمات امور بریه و بحریه و اسلحه‌خان‌ها به کار داشته بود. این اوقات که بی‌نیاز از وجود معلمین مذکوره شده

۱. روزنامه‌اختر، س ۱۳، ش ۲ (۱۳۰۴)، ص ۷.

2. Hirakawa Sukehiro, "Japan's turn to the West", in Marius B. Jansen, ed. *The Cambridge History of Japan*, Vol. 5, Cambridge: Cambridge University Press, (1989), p. 444.

آنها را مرخص کرده و قشون خود را به تدریج به اسلحه تازه مسلح می‌نماید.^۱ بایستی خاطر نشان کرد که عمده مطالب روزنامه/ختر در مورد ژاپن در سال‌های اولیه انتشار آن مبتنی بر ترجمه است که البته همانند دیگر روزنامه‌ها امری طبیعی بوده است. در این میان بیشتر مطالب/ختر از روزنامه وقت عثمانی به عاریت گرفته شده بود.^۲ البته در کنار این ترجمه، بیان نقطه نظرات نویسندگان روزنامه نیز بخش مهمی را شکل می‌داد.

۴-۲. ورود نخستین سفیر ژاپن به ایران

دومین خبر روزنامه اختر از ژاپن مربوط به سفر نخستین سفیر ژاپن یوشیدا ماساهارو^۳ است که در سال ۱۸۸۰م/۱۲۹۷ق از طریق بندر بوشهر وارد ایران شد. ورود سفیر ژاپن به ایران نیز بیشتر از منظر تجاری قابل بررسی است که این کشور با قدم گذاشتن در عصر جدید و شکل‌گیری تولید صنعتی به دنبال یافتن بازار فروش برای کالاهای خود بود و در این میان ایران به‌عنوان یک بازار آسپایی می‌توانست بخشی از اهداف تجاری آن را برآورده سازد. یوشیدا در کتابی با عنوان *سفر به ایران*، که حاصل دیدار شش‌ماهه او از ایران است، می‌نویسد او در پی «معرفی شیوه حکومت، نظام قانون، مالیات‌ها، جمعیت و فرآورده‌های ایران و زبان و ادب این کشور است.»^۴ روزنامه اختر نیز هدف از این سفر را «حصول روابط مودت و دوستی و ارتباط با دولت علیه ایران» بیان می‌کند.^۵ در دیدار با ناصرالدین شاه، شاه از یوشیدا سؤال می‌کند که «آیا همه تجار همراه او برای بررسی وضعیت بازار ایران به ایران آمده‌اند که یوشیدا تأیید می‌کند.^۶ یوشیدا می‌گوید «دولت امپراتوری ژاپن ما را مأمور ساخته است که درباره رابطه بازرگانی مذاکره کنیم.»^۷ در معرفی نامه او نیز آمده که «مسیو یوشیدا ماساهارو و صاحب‌منصب وزارت امور خارجه با چند نفر تاجر ژاپونی که میل دارند در عهد و علاقه تجارته گفت‌وگو نمایند مأمور روانه داشتیم... چنان می‌پنداریم که منبعضها منفعت کلی برای هر دولت خواهد داشت.»^۸

۱. روزنامه/ختر، س ۲، ش ۴۷، ص ۴.

۲. حاتم آنجا پیستور، منصور چهرازی، «ترقی و تمدن ژاپن قرن نوزدهم»، کتاب *ماه و تاریخ و جغرافیا* (خرداد و تیر ۱۳۸۱)، ص ۱۴۵.

3. Masaharu Yoshida

۴. ماساهارو یوشیدا، *سفرنامه یوشیدا ماساهارو*، ترجمه هاشم رجبزاده (مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳)، ص ۳۲.

۵. روزنامه/ختر، س ۶، ش ۴۶ (۱۲۹۷)، ص ۷.

۶. یوشیدا، ص ۱۸۹.

۷. همان.

۸. آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، اسناد مکمل، کارتن ۳۴، سند ۲۶۷.

۵. علل ترقی ژاپن از منظر روزنامه اختر

الف. توسعه معارف عمومی

از جمله مباحثی که در سراسر روزنامه اختر بسیار به چشم می‌آید و فراوان بر آن تأکید می‌شود، بحث توسعه علم در کشور است که در این زمینه به وضعیت ژاپن اشاره می‌شود. اختر یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه سریع این کشور را گسترش علم و معارف می‌شمارد و همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، بدون آگاهی از وضعیت توسعه مدارس ژاپن در عصر توکوگاوا و شوگون‌ها، تمامی علوم ژاپن را به دوره انقلاب میجی نسبت می‌دهد و می‌نویسد «اهالی ژاپن پیش از این در معارف عقب‌مانده بودند. افکار عمومی را چندان اهمیت داده نمی‌شد. اکنون به مناسبت اقدامات حکومت در تعمیم و انتشار معارف هم حکومت و هم اهالی به درجه‌ای ترقی کردند که موجب حیرت و تعجب جهانیان گردید.»^۱ این مطلب نشان می‌دهد نویسندگان روزنامه/اختر آگاهی درستی از جامعه و ساختار آموزشی این کشور نداشتند و به‌منظور پیشبرد هدف خود که توسعه علم در ایران بود، می‌خواستند با این‌همانی کردن، امکان رشد علم و در نتیجه توسعه کشور را رقم بزنند. حتی برای اینکه رشد علم و آگاهی را در تضاد با سلطنت و استبداد ناصری ندانند و در واقع چنین القا کنند که توسعه معارف در تضاد با قدرت شاه نخواهد بود، در ادامه می‌نویسند «ژاپون در عالم پولیتیک مانند طفل خردسالی است و این فقره به درجه‌ای واضح است که عدم تصدیق آن محال است. اهالی ژوپون در اطاعت و فرمان‌برداری پادشاه خودشان ثابت‌قدم و در جانفشانی حکمران خود راسخ دم هستند... رغبت و خواهش اهالی به کلی مصروف بر این است که به همت حکومت به مدارج بلند ترقی و تمدن صعود نمایند.»^۲ به‌رغم اینکه این نوشتار ترجمه‌ای از روزنامه‌ای ژاپنی به نام اخبارنامه ژوپون دانسته شده، از متن آن چنین برمی‌آید که نویسنده‌ای ایرانی آن را به رشته تحریر درآورده است، چرا که همه تأکید آن بر عدم تعارض علم و آزادی و استبداد و آگاهی است: «حال آنکه حکومت این درجه تعمیم معارف را نیز کافی ندیده در باب اینکه اهالی بیش از پیش از لذت‌مدنیت و ترقی بهره‌مند بشوند هر روز به وسائل دیگر در نشر معارف اقدامات تازه به کار می‌برد و هیچ اندیشه نمی‌کند از اینکه هرگاه اهالی به بالا درجه ترقی و تمدن برسند و پرده جهالت به کلی از پیش نظر آنان برداشته شود احتمال که برخلاف معمول مانع قوت و پیشرفت نمود حکومت باشند.»^۳ تمام تلاش نویسنده در این مقاله بر آن است که به شاه و در واقع کنشگر اصلی نشان دهد رشد علم و توسعه دانش در کشور هیچ منافاتی با قدرت ندارد. زیرا کارگزار اصلی و کنشگر حیات سیاسی و اجتماعی

۱. روزنامه/اختر، س ۶ ش ۵۰ (۱۲۹۷)، ص ۵.

۲. همان.

۳. همان، س ۶ ش ۵۰ (۱۳۹۷)، ص ۶.

کشور پادشاه است. لذا در ادامه مقاله می‌نویسد «حتی حکومت به همه ولاه و مأمورین به‌طور رسمی اطلاع داده است که هر وقت ترقی و تمدن اهالی به درجه مطلوب برسد وضع اداره حکومت مشروطه را اعلان خواهد کرد.»^۱ به این ترتیب، در این نوشته جایگاه فعال مابشاه، یعنی شاه، در نظر گرفته می‌شود تا آرای روزنامه در تعارض با قدرت قرار نگیرد و وجود شاه مانع ترقی تصور نشود.

روزنامه اختر در دنباله سیاست توسعه معارف سراغ آمار و ارقام مربوط به مدارس ژاپن می‌رود و از کمیت آنها گزارش می‌دهد. براساس این گزارش در سال ۱۸۸۱ در ژاپن «دو میلیون و شصت و شش هزار و پانصد و شصت و شش نفر طلبه علوم و بیست و پنج هزار و چهارصد و پنجاه و نه باب مکاتب ابتدایی هست که دارای پنجاه و نه هزار و هفتصد و بیست و پنج نفر معلم است.»^۲ پس از این آمار و اطلاعات می‌نویسد «ترقی حکومت ژاپون از ترقی و زیاده شدن مکتب‌هایش معلوم می‌شود.»^۳ در نتیجه از منظر نویسندگان روزنامه/اختر توسعه کمی معارف موجب ترقی حکومت می‌شود و این ترقی هیچ تضادی با شیوه حکومت استبدادی ندارد، چنانکه مردم ژاپن به‌رغم آگاهی و رشد علمی همچنان برای امپراتور خود جان‌فشانی می‌کنند. به این ترتیب، روزنامه اختر چنین نتیجه‌گیری می‌کند که علت اصلی و «تختین اسباب و وسایل این ترقیات سریعه دولت مشارالیه‌ها نیز عبارت از تأسیس مکتب‌ها و تعمیم معارف بوده است.»^۴

ب. کارگزار تاریخی

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، از منظر نویسندگان روزنامه اختر روند حرکت رو به جلو ژاپن ناشی از اقدامات و تصمیمات رأس هرم سیاسی این کشور یعنی امپراتور است و این فرد به‌تنهایی ژاپن را به چنین مقام رفیعی در آسیا رسانده است. روزنامه علت‌العلل پیشرفت سریع ژاپنی‌ها را در توسعه دانش و معارفشان می‌بیند و در همین زمینه تلاش می‌کند به تبارشناسی علوم آنان بپردازد و مبدأ حرکتشان را شناسایی کند. نویسندگان روزنامه بر تأثیر کارگزار تاریخی بر تمام روندهای تاریخی تأکید می‌کنند و علت پیشرفت سریع ژاپن را وجود یک «مربی»، که منظور همان امپراتور ژاپن است، می‌دانند:

وضع و تاریخ این قوم غیرتمند را که گویی آب و گلشان به مواد ترقیات زمان آمیخته است همه کس می‌دانند که با وجود استعداد فطری و میل طبیعی به ترقیات به سبب فقدان تربیت‌دهنده و آموزگاری تا این جزو زمان در گوشه‌نسیان مانده در جرگه گمنام‌ترین اقوام روی زمین بودند، ولی در این اواخر به سبب پیدا شدن مربی که بیش از یک نفر حکمران خودشان نبود در ظرف اندک مدتی در عوالم مدنیّت و انسانیت و علوم

۱. همان.

۲. همان، س ۷، ش ۱۰ (۱۲۹۸)، ص ۵.

۳. همان، س ۱۲، ش ۴۲ (۱۳۰۳)، ص ۷.

۴. همان، س ۱۳، ش ۲ (۱۳۰۴)، ص ۷.

و فنون و صنایع چنان ترقی نمودند.^۱

در بررسی ساختار سیاسی حاکم بر ژاپن نیز قدرت انحصاری امپراتور برجسته و در عین حال تمام امور به او نسبت داده می‌شود. با توجه به دوگانگی منشأ قدرت در ژاپن، به گفته‌آختر، قدرت روحانی هیچ مدخلیتی در امور دنیوی این کشور ندارد و تمامی امور بر عهده امپراتور است: «حکمران جسمانی که آن را تا مقام الوهیت صعود داده است، هیچ کس را یارای آن نیست که در مقابل اوامر و نواهی او زبان بلا و نعم باز کند. لهذا حکمران مشارالیه اجرای مقاصد خود را در انظار مستند به اوامر او داشته بدین وسیله از هر گونه اعتراضات آزاد و بری است. حکمران جسمانی را تایفون می‌نامند.»^۲ بنابراین، از منظر روزنامه‌آختر اولاً شاه از جانب هیچ قدرتی محدود نشده است، ثانیاً آگاهی و توسعه معارف به‌منظور بهبود اوضاع و کارکرد بهتر امور و در نتیجه به سود حکومت است و در نهایت از این مقدمات چنین نتیجه گرفته می‌شود که حکومت خود در صدد انجام اموری است که به بهبود وضعیت و ترقی بینجامد که از جمله آنها تأسیس مدارس و ترجمه کتاب‌هاست:

حکومت ژاپون هم تاریخ اختلال فرانسه را دستورالعمل داد که به لغت ژاپون ترجمه و طبع و نشر نمایند. حال آنکه حکومت می‌توانست طبع و نشر هر گونه رسائل را که موجب تشویش اذهان اهالی تواند بود از طبع و نشر شدن غدغن نماید. ولی بالعکس حکومت ژاپون طبع و نشر این گونه رسائل را غدغن ننموده سهل است به ملاحظه آنکه قیمت رسائل مذکوره نوعی ارزان و مناسب باشد که عموم اهالی استطاعت خرید و مطالعه آن را داشته باشند، طبع و نشر او را خود در عهده گرفت.^۳

ج. اعزام دانشجو به اروپا

از نگاه روزنامه‌آختر، ژاپنی‌ها که جزء اقوام به دور از تمدن و وحشی بودند، ابتدا با توسل به اروپایی‌ها و واردکردن علوم آنان بود که توانستند قدم در جاده ترقی بگذارند و همان‌گونه که پیش‌تر آمد، نخستین خبر نقل شده در روزنامه‌آختر در مورد ژاپنی‌ها نیز مربوط به مرخص کردن معلم‌هایی است که از اروپا آمده و در خدمات امور بریه و بحریه استخدام شده‌اند. نویسندگان روزنامه این حرکت ژاپن را ناشی از اختلاط با اروپاییان می‌دانند و می‌نویسند «در ممالک ژاپون مدارس و مکاتب بسیار است و به اطفال از هر گونه علوم و فنون درس و تعلیم داده می‌شود. پس از آنکه با اروپاییان اختلاط و آمیزش کردند در بسیاری از آثار تمدن از آنان پیروی نموده خیلی محسنات از اروپا یاد گرفتند.»^۴ در ادامه آمده است که

۱. همان، س ۲۰، ش ۲ (۱۳۱۱)، صص ۹-۱۰.

۲. همان، س ۱۴، ش ۱۶ (۱۳۰۵)، ص ۶.

۳. همان، س ۶، ش ۵۰ (۱۲۹۷)، ص ۶.

۴. همان، س ۱۴، ش ۷ (۱۳۰۵)، ص ۵.

ژاپنی‌ها همچنان این سیاست را دنبال کردند و «برای تحصیل علوم و فنون همه ساله چندین صد طلبه به پاریس و لندن آمده علوم عالیه مانند طب و حکمت و حقوق یاد گرفته به مملکت خودشان برگشته به تعمیم آن علوم می‌پردازند.»^۱ البته بایستی یادآور شد که در ایران سیاست اعزام دانشجو به خارج بیش از ۵۰ سال زودتر از ژاپن انجام شده بود.^۲

در نتیجه انتقال دانش اروپاییان به ژاپن روزنامه/ختر می‌نویسد «دولت ژاپون بیست و چند سال پیش‌تر از هر گونه علوم و فنون بی‌خبر و در دست کشاکش اروپاییان بیچاره و مضطر بود. لکن در این چند سال همه علوم و فنون و اعمال صنایع نفیسه اروپا در آن ملک تعمیم و انتشار یافته و مظهر تصدیق و تحسین و بل موجب مزید غبطه و رشک فرنگستان شده است.»^۳ نتیجه اینکه نه تنها اعزام دانشجو موجب انتقال علوم به ژاپن شد که حتی مقامات رسمی این کشور نیز برای آشنایی با تمدن جدید به اروپا سفر کردند که روزنامه/ختر آن را نیز گزارش می‌کند: «پرنس (المتیوقوماسو) که خویشان و نزدیکان پادشاه ژاپون است با زنش محض تدقیق و تجارت قواعد و نظامات جدیده لشکر و کشور فرنگستان به سیاحت اروپا بیرون رفته است. مانند احاد ناس با لباس عادی سیاحت و حرکت می‌نمایند.»^۴ و به این ترتیب بار دیگر بر اهمیت کارگزاران در رشد و ترقی جامعه تأکید می‌کند.

د. توسعه صنایع

توسعه دانش و ترقی اروپا در ژاپن از منظر روزنامه اختر یک روی سکه است و توسعه صنایع روی دیگر آن که منجر به رشد و ترقی ژاپن و بیرون آمدن این کشور از زیر درخواست‌های شاق کشورهای بزرگ اروپایی شد و کار به جایی رسید که ژاپنی‌ها از نظر نویسندگان اختر در «صنایع از فرنگیان نیز پیش افتادند.»^۵ اختر در گزارش‌های خود بار دیگر پای کارگزار تاریخی را به میان می‌کشد و در جاهای مختلف از اقدامات پادشاه این کشور در رونق دادن به صنعت سخن به میان می‌آورد، از جمله در مقاله‌ای می‌نویسد دولت ژاپون در این جزو زمان از هر جهت خیلی ترقی کرده است. ولی مراتب ترقیات دولت مشارالیه به طوری که شاید و باید بر دیگران پوشیده است. مردم آنجا در صنایع و فنون به پایه‌ای پیش رفته‌اند که واقعاً موجب مزید حیرت است. اعلی حضرت میکادو امپراتور ژاپون حال در سن چهل سالگی است و از جلوس مشارالیه به تخت حکمرانی بیست سال می‌گذرد. در ظرف این مدت از میان همت حکمران مشارالیه خیلی آثار تمدن در ممالک مذکوره به ظهور رسیده است.^۶

۱. همان، ص ۵.

۲. محیط طباطبایی، «تاریخچه اعزام محصل به اروپا»، روزنامه شفق سرخ (تیرماه ۱۳۱۲).

۳. روزنامه اختر، س ۱۳، ش ۱۰ (۱۳۰۴)، ص ۷.

۴. همان.

۵. همان، س ۱۶، ش ۳۹ (۱۳۰۷)، ص ۵.

۶. همان، س ۱۵، ش ۳۳ (۱۳۰۶)، ص ۵.

لذا بار دیگر به جایگاه شاه و تلاش‌های او اشاره و بر عدم تضاد وجود شاه و تجدد تأکید می‌شود تا امکان ایجاد چنین فضایی در ایران عصر ناصری نیز فراهم شود. نویسندگان روزنامه بر این باورند که «ترقیات هر دولتی نخست از توسیع معارف دوم از صنایع آن مملکت که موازنه و وسعت امور تجارت است دانسته و معلوم توان نمود.»^۱ به این ترتیب، به نوشته‌آختر، در پی ترقی علوم و رشد صنعت در ژاپن، تلاش برای کسب بازار فروش نیز مطرح می‌شود و نخستین بازار عمومی آسیا^۲ در این کشور افتتاح می‌شود و از سوی دیگر در تلاش برای یافتن بازار فروش پای آنان حتی به ایران نیز باز می‌شود. همچنین در این روزنامه اخبار بسیاری از ترقی ژاپن در زمینه توسعه راه‌آهن^۳ و همچنین تلفن و استعمال الکتریک^۴ منتشر می‌شود تا نشان دهد ژاپن در کوتاه‌مدت و در ذیل سلطنت امپراتور میکادو پیشرفت‌های شگرفی را تجربه کرده است.

۵. مشارکت زنان

لزوم مشارکت زنان در امور اجتماعی ایران از جمله اهدافی بود که روزنامه‌آختر با جدیت دنبال می‌کرد، چرا که معتقد بود «ترقی هر ملتی بسته حسن تربیت ابنای آن ملت است»^۵ و «امر تربیت دختران چند درجه از تربیت پسران لازم‌تر است.» بنابراین، از دیگر عوامل مؤثر بر تجدد ژاپن، از منظر روزنامه‌آختر، مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی این کشور بود که گزارش‌های فراوانی در این زمینه در روزنامه به چشم می‌آید. آمارهایی که این روزنامه از میزان مشارکت زنان در امور تجاری می‌دهد بسیار چشم‌گیر است. براساس یکی از این گزارش‌ها «در خدمات تجار و اصناف نیز چندین هزار زن استخدام می‌شود. علاوه بر آن در کارهای سخت نیز مانند زراعت و حراست [= کشاورزی] اشتغال می‌ورزند. به موجب استاتستیکی که در این اواخر دیده شد به قدر هفت میلیون از زنان ژاپون در خدمات تجار و اصناف و غیره مستخدم می‌باشند.»^۶ در حوزه آموزش نیز به وجود معلمان زن اشاره شده است، چنانکه در مقابل «هفتاد و شش هزار و پانصد تن معلم، سه هزار و پانصد تن معلمه مشغول تعلیم و تدریس و تربی اطفال اند»^۷ که این آمار و ارقام شاید به دلیل هدف دیگر روزنامه‌آختر، یعنی تأکید بر آموزش زنان در ایران، آورده شده است.

۱. همان، س ۱۳، ش ۱۰ (۱۳۰۴)، ص ۷.

۲. همان، س ۱۶، ش ۲۹ (۱۳۰۷)، ص ۸.

۳. همان، س ۱۹، ش ۲ (۱۳۱۰)، ص ۹.

۴. همان، س ۱۹، ش ۳ (۱۳۱۰)، ص ۱۶.

۵. همان، س ۱۸، ش ۱۱ (۱۳۰۹)، ص ۵.

۶. همان، س ۱۴، ش ۷ (۱۳۰۵)، ص ۶.

۷. همان، س ۱۶، ش ۲۳ (۱۳۰۷)، ص ۷.

۶. علل پیشرفت اروپا و عقب ماندگی آسیا

روزنامه اختر در میانه گزارش‌های خود از ترقی و تجدد، یکی از مهم‌ترین مباحث خود را اروپا و علل پیشرفت این قاره قرار داده و آن را با آسیا مقایسه کرده است. چون یکی از بخش‌های این گزارش‌ها این تفاوت را از نگاه ژاپنی‌ها واکاوی می‌کند، مناسبت دارد که در این بخش به اختصار به آن پرداخته شود. براساس گزارش سال هفتم این نشریه هیئت ژاپنی پس از بازگشت از ایران، در هنگام ورود به استانبول «سواد لایحه‌ای در باب اصلاح و ترقی ممالک آسیا» می‌نویسند که روزنامه/اختر در دو شماره آن را چاپ می‌کند. این لایحه یا مقاله ابتدا با تعریف آسیا و اروپا شروع می‌شود و به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های طبیعی، جغرافیایی، آب و هوایی و انسانی هر یک از دو قاره به صورت مجزا می‌پردازد و این سؤال را مطرح می‌کند که «پس چگونه است که تنها اروپا آنقدر ترقی کرده، به طوری که بر سایر اقالیم روی زمین تفوق کلی پیدا نموده است.»^۱ پس از آن می‌گوید آسیا از حیث خاک وسیع‌تر و نسبت جمعیت آن نیز از اروپا بیشتر است و از هر جهت دارای معادن خوب و بامنفعت است. پس آیا اهل آسیا از جهت شعور از اهل اروپا کمتر هستند. جواب خیر است، چرا که ادعا می‌شود یک وقتی اهل آسیا بر دیگران برتری داشتند. در نهایت جمع‌بندی این است که علوم عملی که عبارت از ترقی صنایع باشد، آنان را به این مرحله رسانده است و «حرکت و غیرت که این دو چیز عمده در آسیا نیست.»^۲ و رفاه و ترقی هر مملکت تنها به واسطه حرکت و غیرت حاصل می‌شود.

در واکاوی راه‌های برون‌رفت آسیا از این رخوت و بی‌حرکتی نیز نویسندگان لایحه چنین می‌نگارند که «اول تکلیف این است که جمیع دول آسیا با یکدیگر اتحاد پیدا کرده و با آنهايي که لازم است معاهدات مصالحه و مودت برقرار بنمایند... همین سبب خواهد شد که بر ضد پوولتیک ظلم‌آمیز اروپا نسبت به آسیا نتیجه خوب حاصل گردد... و محض استقلال آسیا رفع مداخله دول خارجه در امور داخله آسیا در جمیع موانع خواهد شد.»^۳ در ادامه توضیح همین مطلب، اهالی آسیا به گوسفندانی تشبیه شده‌اند که در مزارع خودشان در حال خوردن بودند که شیرها، یعنی همان اروپایی‌ها، از راه رسیدند و در مزارع آنان رسوخ کردند.

راه دیگر برون‌رفت، از منظر نویسندگان ژاپنی گزارش، این است که «در کارهای تجارت و زراعت به قدر مقدور اقدامات به کار برده ترقی داده شود. از جانب همه دولت‌های آسیا نیز باید در این باب اسباب سهولت فراهم آورده شود تا اینکه نتایج حسنه آن ظاهر گردد. زیرا تجارت اسباب عمده ارتباط دولت‌های

۱. همان، ص ۷، ش ۱۰ (۱۳۹۸)، ص ۷.

۲. همان، ص ۸.

۳. همان.

آسیا می‌باشد.^۱ و در نهایت راهکار سوم آن است که «السنه اروپ باید در مدارس آسیا آموخته شود و به قدر امکان باید از السنه خارجه اجتناب نمود. کارها را چنان باید مضبوط داشت که هیچ یک از اهالی خارجه نتواند بر روابط دولت‌های آسیا اطلاع برساند و در هر مطلب که باشد مداخلات بیگانه را مانع باید شد و نباید به سخن‌های بیگانگان اعتنا کرد.»^۲

۷. نخستین جنگ چین و ژاپن ۱۸۹۴

نکته دیگر که شایسته توجه است، گزارش‌های روزنامه‌اختر از جنگ بین چین و ژاپن است که در صفحات روزنامه و در هر شماره به آن پرداخته می‌شود. این جنگ که به برهم خوردن تعادل قدرت در آسیا و زوال چین به‌عنوان قدرت مهم و ظهور ژاپن منجر شد، معادلات مهمی را رقم زد. چرا که پس از مدتی ژاپن روسیه را به‌عنوان یک قدرت اروپایی شکست داد و به این ترتیب توجهات جهانی را به سوی خود جلب کرد.^۳ از آنجایی که نویسندگان روزنامه نگاه مثبتی به ژاپن مترقی داشتند، در همان اوان شروع جنگ بین دو کشور می‌نویسند «باری از روش کار چنین می‌نماید که دولت کهنسال چین از این جنگ صرفه نخواهد برد زیرا که عساکر بری و بحری ژاپون همه با نظم و نسق و مسلح با اسلحه ممتازند، ولی از لشکریان چین بجز معدودی که شمارشان سیصد هزار نمی‌رسد نظم درستی ندارد که بتوانند با عساکر منظمه ژاپون پنجه زنند.»^۴ هرگونه تغییر و توفیق ژاپن در جنگ و حتی پیام‌های امپراتور ژاپن به سربازان نیز در شماره‌های بعدی/اختر انعکاس داده می‌شود و همیشه این نکته گوشزد می‌شود که این ملت و مردم در طی بیست یا سی سال به این مرحله از ترقی و تجدد دست یافته و در سایه مربیگری امپراتورشان اکنون موجب حیرت جهانیان گشته‌اند.

نتیجه‌گیری

تأسیس روزنامه اختر، به‌عنوان نخستین روزنامه مدرن ایران، با نگاهی اصلاح‌گرا به وضعیت تجدد در ایران آثار بسیاری در وضعیت اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی ایران بر جای گذاشت. لزوم توجه به ترقی و تجدد، نویسندگان این روزنامه را بر آن داشت که برای آگاهی بخشیدن به عموم مردم از وضعیت کشورهای پیشرفته اخبار بسیاری را منتشر نمایند. در این میان ژاپن به‌عنوان کشوری آسیایی که بنا به باور نویسندگان/اختر در کوتاه‌مدت هم‌پایه کشورهای اروپایی ترقی یافته بود، مورد توجه آنان قرار

۱. همان، س ۷، ش ۱۵ (۱۲۹۸)، ص ۷.

۲. همان، ۸.

3. S. C. M. Paine, *The Japanese Empire: Grand Strategy from the Meiji Restoration to the Pacific War* (Cambridge University Press, 2017), p. 18.

۴. روزنامه اختر، س ۲۱، ش ۳ (۱۳۱۲)، ص ۱۱.

گرفت و با انعکاس اخبار و اطلاعاتی از این کشور سعی کردند توسعه این کشور را درون‌زا، معطوف به حفظ وضع موجود سیاسی، به دور از هر گونه انقلاب سیاسی و اجتماعی و با سرعت و امکان‌پذیر توصیف کنند. بنابراین، اگرچه مقالات روزنامه/خبر در واکوی علل پیشرفت و ترقی ژاپن بر توسعه آموزش تأکید می‌نمایند، از تاریخ این کشور و تاریخچه توسعه نهادهای آموزشی آن غفلت می‌کنند و صرفاً با تأکید بر سرعت توسعه این کشور تحت رهبری امپراتور ژاپن می‌کوشند اجرای آن را در ایران ممکن نشان دهند.

کتابنامه

- آدمیت، فریدون، *اندیشه‌های طالبوف تبریزی*، تهران: انتشارات دماوند، ۱۳۶۳.
- _____، *اندیشه ترقی و حکومت قانون*، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۵.
- آرشو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- آنجا پیستور، حاتم، و منصور چهارازی، «ترقی و تمدن ژاپن قرن نوزدهم»، کتاب *ماه و تاریخ و جغرافیا*. خرداد و تیر ۱۳۸۱، ش ۵۶-۵۷، صص ۱۵۳-۱۴۴.
- بشیریه، حسین، *تاریخ اندیشه سیاسی در قرن بیستم*، اندیشه‌های مارکسیستی، تهران: انتشارات نی، ۱۳۹۱.
- تقی‌زاده، سید حسن، *مجله کاهو*، ش ۱، دوره جدید، ژانویه ۱۹۲۱.
- حسینی‌پور، مسعود و آریتا همدانی، «ترکستان اولین روزنامه فارسی‌زبان در عثمانی»، *بخارا*، س ۱۵، ش ۹۷، آذر-دی ۱۳۹۲.
- ساسانی، خان ملک، *یادبودهای سفارت استانبول*، تهران: انتشارات بابک، ۱۳۵۴.
- صحافی‌اشی، ابراهیم، *سفرنامه ابراهیم صحافی‌اشی تهرانی*، به اهتمام محمد مشیری، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۵۷.
- طباطبایی، محیط، «تاریخچه اعزام محصل به اروپا»، *روزنامه شفق سرخ*، تیر ۱۳۱۲.
- گروه نویسندگان، *مؤلفه‌های هویت ملی در ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱.
- لمبتون، آ. ک، *ایران عصر قاجار*، ترجمه سیمین فصیحی، مشهد: انتشارات جاودان، ۱۳۷۵.
- مارش، دیوید و استوکر جولای، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴.
- ماساهارو، یوشیدا، *سفرنامه یوشیدا ماساهارو*، ترجمه هاشم رجب‌زاده، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من*، ج ۲، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۱.
- معینی علمداری، جهانگیر، *روش‌شناسی و نظریه‌های جدید در سیاست*، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۴.
- وبر، ماکس، *روش‌شناسی علوم اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۸۲.

Sadler, A. L, Shogun: *The Life of Tokugawa Ieyasu*, Tuttle Publishing, 2009.

Laver, Michael S., *The Sakoku Edicts and the Politics of Tokugawa Hegemony*, Cambria Press,

2011.

Morishima, Micho, *Why Japan has succeeded*, Cambridge University Press, 1982.

Sangawa, Hmeljak K. (2017) "Confucian Learning and Literacy in Japan's Schools of the Edo Period", *Asian Studies*, 5.

Ronald, Dore P., *Education in Tokugawa Japan*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press 1965.

Sukehiro, Hirakawa, "Japan's turn to the West", in Marius B. Jansen, ed. *The Cambridge History of Japan*, Vol. 5, Cambridge: Cambridge University Press, 1989.

Paine, S. C. M., *The Japanese Empire: Grand Strategy from the Meiji Restoration to the Pacific War*, Cambridge University Press, 2017.

Archive of SID